

رویدادهای مهم بین المللی و منطقه ای موثر بر تحولات ایران

گزارش بانک جهانی: اشتغال بزرگترین چالش کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا

اردوان نیکنام (رادپوردا): جمعه 6 تیر 1382 - 27 ژوئن 2003

بانک جهانی در یک گزارش خود که روز پنجشنبه منتشر شد، خواستار آن شده است کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا با انجام اصلاحات اقتصادی و ایجاد تنوع در اقتصاد خود که بیشتر متکی به نفت است، به مبارزه با بیکاری برخیزند.

مسعود ملک (رادپوردا): در حالی که جمعیت کسانی که وارد بازار کار می شوند به سرعت روبه افزایش است، گزارش بانک جهانی ایجاد اشتغال را از مراکش گرفته تا ایران، بزرگترین چالش دهه جاری دانسته است. تا سال 2010، همه ساله تقریباً چهار میلیون نفر به نیروی کار اضافه می شوند. این دوبرابریان ورود داوطلبان شغل به بازار کار در منطقه در 20 سال گذشته به شمار می رود.

بنا به این گزارش، بیکاری در خاورمیانه و شمال آفریقا با احتساب میانگین 15 درصد نیروی کار جاری، در دو دهه گذشته دوبرابر شده است. این میزان، در سطح بالاترین میزان بیکاری در جهان قرار دارد. افراد جوان، فارغ التحصیلان مدارس و زنان، با مشکل بیشتری در پیدا کردن شغل روبرو هستند.

مصطفی نابلدی رئیس اداره امور اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا در بانک جهانی گفت کسانی که امروزه وارد بازار کار می شوند، جوان و تحصیل کرده اند. این به معنای آن است که در فضای یک اقتصاد صحیح، این افراد می توانند مانند سایر نقاط جهان پایه و اساسی برای یک رشد سریع و بادوام به وجود آورند.

وی افزود: اما اگر محیط زیست دچار تنگنا باشد، یک استعداد بالقوه جمعیتی تبدیل به یک آفت جمعیتی می شود و راه را در برابر بروز بحران های اجتماعی باز می گذارد.

بانک جهانی برای مقابله جوئی با چنین چالش هایی، اجرای سه طرح بزرگ را در منطقه پیشنهاد کرده است: ایجاد صنایع غیر وابسته به نفت، طرفداری از مشاغل آزاد که دولت نقشی در آن نداشته باشد و حذف سیاست های وارداتی به نفع صنایع صادراتی.

نویسندگان بانک جهانی در گزارش خود خاطرنشان ساخته اند خشونت وزد و خورد، پیوسته تاثیری منفی در مبادلات بازرگانی و سرمایه گذاری داشته و اثرات آن اغلب از محدوده کشورهای در حال جنگ فراتر رفته و به کشورهای همسایه سرایت کرده است. تاثیر منفی زد و خوردها در خاورمیانه و شمال آفریقا، زیانبار بوده است.

وجود تردید نسبت به توانایی رقابت با بازارهای جهانی، کشورهای را اغلب به اتخاذ سیاست حمایت از صنایع و فرآورده های داخلی هدایت می کند، اما پایه و اساسی برای این بدبینی وجود ندارد.

در گزارش همچنین آمده است ترکیب و آمیزه ای از صادرات بیشتر محصولات غیر نفتی و وجود فضائی از سرمایه گذاری بهتر، می تواند سرمایه گذاری خصوصی در محل را افزایش دهد و سرمایه گذاری های مستقیم خارجی را چندین برابر بیشتر کند.

مواضع دولتها، نیروها، شخصیتها و نهادهای سیاسی جهان پیرامون تحولات ایران

جک استرا به ایران می رود

بی بی سی - جمعه 6 تیر 1382 - 27 ژوئن 2003

جک استرا، وزیر امور خارجه بریتانیا، هفته آینده به ایران سفر می کند.

این چهارمین سفر وزیر خارجه بریتانیا به ایران خواهد بود و در حالی انجام می گیرد که در محافل بین المللی نگرانی هایی در مورد برنامه های هسته ای ایران ابراز می شود.

سخنگوی وزارت خارجه بریتانیا گفت که آقای استرا حامل پیامی حاکی از "نگرانیها در مورد ایران" به ویژه در زمینه مسائل مربوط به حقوق بشر، مبارزه جهانی علیه تروریسم و عدم گسترش سلاحهای هسته ای خواهد بود.

در پی مطرح شدن ادعاهایی مبنی بر اینکه ایران درصدد دستیابی به سلاحهای هسته ای است، آژانس بین المللی انرژی اتمی از ایران خواسته است که با بازرسیهای سختگیرانه تر از تاسیسات هسته ای این کشور موافقت کند

فنلاند تهدید کرد که عدم موافقت با بازرسی سازمان ملل از تاسیسات اتمی ایران، به قطع گفتگوهای

اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی منجر خواهد شد

اردوان نیکنام (رادپوردا): جمعه 6 تیر 1382 - 27 ژوئن 2003

فنلاند روزپنجشنبه اعلام کرد اگر ایران به درخواست های سازمان بین المللی انرژی اتمی در مورد انجام بازرسی های سختگیرانه تری از تاسیسات اتمی این کشور ترتیب اثر ندهد، ادامه گفتگوهای خود با اتحادیه اروپا را به خطر خواهد انداخت.

بیژن فرهودی (راديو فردا): اظهارات ارکي توميوجا وزير امور خارجه فنلاند به دنبال انتقادهای هفته گذشته سازمان بین المللی انرژی اتمی از ایران در مورد عدم تبعیت از معاهده جلوگیری از گسترش سلاح های اتمی عنوان شده است.

آقای توميوجا در مصاحبه ای با خبرگزاری رویتر گفت تا زمانی که ایران پاسخی به درخواست سازمان بین المللی انرژی اتمی نداده است، چشم انداز ادامه گفتگوهای اتحادیه اروپا با ایران بسیار تیره و مبهم است. وی افزود: این سؤال مطرح است که ایران باید چه کند. ایرانیان اهمیت این گفتگوها را درک می کنند و خود باید درباره ادامه آن تصمیم بگیرند.

خبرگزاری رویتر در گزارشی نوشت ایران مصرانه می گوید برنامه اتمی این کشور جنبه مسالمت آمیز دارد و برای تنوع بخشیدن به منابع برق ایران است و نه تولید سلاح های اتمی.

رویتر در گزارش خود افزود: اتحادیه اروپا شریک عمده تجاری ایران است و طرفین چند ماه است گفتگوهای برای تقویت مبادلات بازرگانی و مناسبات سیاسی بین طرفین انجام داده اند. اقدام اتحادیه پانزده عضوی اروپا در گفتگو با ایران، این اتحادیه را از آمریکا که سال پیش ایران را بخشی از یک محورا ریمنی دانست، دور می کند.

با این حال پزیدنت بوش و رهبران اتحادیه اروپا روز چهارشنبه در واشنگتن وعده دادند برای جلوگیری از اقدام ایران به تولید سلاح های اتمی، با یکدیگر همکاری کنند. رومانو پرودی رئیس کمیسیون اروپا گفت همه روزه گفتگوئی با ایران در این زمینه جریان دارد.

وزیر امور خارجه فنلاند همچنین به دنبال تظاهرات دانشجویی اخیر ایران علیه روحانیونی که رهبری جمهوری اسلامی را برعهده دارند، حمایت خود را از عوامل اصلاح طلب ایران اعلام کرد. رهبران دانشجویی ایران می گویند صدها تن از دانشجویان در پی تظاهرات اخیر با زداشت شده اند که اطلاعی از محل با زداشت بسیاری از آن ها در دست نیست.

وزیر امور خارجه فنلاند در عین حال خاطر نشان ساخت هنوز روشن نیست دولت های اتحادیه اروپا تا چه میزان و چه اقدامی باید در پاسخ به ایران عمل آورند. وی افزود: آنچه را که ما خواستار آن هستیم این است که بینیم تمامی کسانی که در ایران کم و بیش به گونه ای دمکراتیک انتخاب شده اند، یعنی اکثر نمایندگان مجلس و رئیس جمهوری، توانائی اعمال قدرت واقعی را داشته باشند.

نزدیک شدن مواضع آمریکا و اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی و نگرانی دولتمردان ایران فربیا مودت (راديو فردا): جمعه 6 تیر 1382 - 27 ژوئن 2003

هفته نامه آلمانی Die Zeit در یک مقاله تحلیلی به اوضاع جاری ایران پرداخته و با اشاره به نگرانی هایی که در دستگاه رهبری ایران احساس می شود می نویسد: دست اندرکاران حکومتی در ایران این روزها هر اظهار نظری در اروپا را با دقت مورد بررسی قرار می دهند تا مبدا اتحادیه اروپا به سیاست آمریکا در قبال ایران بیبوند. شهرام میریان، گزارشگر راديو فردا از آلمان می گوید.

شهرام میریان، براساس گزارش تحلیلی هفته نامه Die Zeit (راديو فردا): هفته نامه Die Zeit در آغاز مقاله بلند و بالایی خود به تظاهرات دانشجویان در 4 سال پیش می پردازد و می نویسد: در آن سال این جوانان تنها به خاطر آزادی، مردمسالاری و حقوق بشر به خیابانها نیامدند، بلکه آنها دست به کار دیگری نیز زدند و آن در دست گرفتن عکسهای از محمد خاتمی و حمایت از او بود. حال پس از گذشت 4 سال، همین دانشجویان در تظاهرات خود نشان دادند که دیگر طرح وی را که به برنامه دوم خرداد شهرت یافته، باور ندارند.

این هفته نامه آلمانی سپس به شکوفایی ادب و هنر و از همه مهمتر به پیشرفت در گستره روزنامه نگاری، در سالهای نخست ریاست جمهوری خاتمی اشاره می کند و پس از سیری در تاریخ سیاسی معاصر ایران می نویسد: ولی حال محمد خاتمی دیگر قدرتی ندارد. آن آزادیهای سیاسی جزئی هم از میان رفته، در حالیکه محافظه کاران بدون دردسر قدرت بازیافته خود را محکم در دست گرفته اند. هرگاه این روند ادامه یابد، به قول Die Zeit بار دیگر محافظه کاران بر کرسی های مجلس و مسند ریاست جمهوری تکیه می زنند.

این هفته نامه آلمانی آنگاه به اتهامهای آمریکا علیه ایران می پردازد و بر روی مناسبات اتحادیه اروپا با ایران و آمریکا مکتب بیشتری می کند و می نویسد: بحث بر سر روند مردمسالاری در ایران، امروزه به جز در خیابان و کوی و برزن و مجلس، در واشنگتن هم به عنوان یک موضوع مطرح است و سپس می افزاید: فشارهای فزاینده آمریکا بر ایران، دست اندرکاران حکومتی را خشمگین و عصبانی کرده است. در مقاله ها و تفسیرهای نشریات متعلق به جناح محافظه کار و همین طور در مراسم نمازهای جمعه، ترس و نگرانی از پایان گرفتن سیادت در میان دست اندر کاران حکومتی، به خوبی حس می شود.

ترس . نگرانی ای که از آغاز وقوع انقلاب اسلامی در ایران، هرگز مشاهده نشده است.

مواضع رژیم و جناحهای آن در مورد مهمترین تحولات ایران

دادستان کل جمهوری اسلامی اعلام کرد 4 هزار نفر در تظاهرات ضد حکومتی در سراسر کشور بازداشت شدند

لیلی صدر براساس گزارش خبرگزاری رویتر - رادیو فردا - جمعه 6 تیر 1382 - 27 ژوئن 2003

روزجمعه به نقل از دادستان کل جمهوری اسلامی اعلام شد در جریان تظاهرات اخیر ایران، جمعاً 4 هزار نفر در سراسر کشور بازداشت شدند. وی تعداد بازداشت شدگان تهران را 800 نفر اعلام کرد و گفت 40 درصد از بازداشت شدگان بلافاصله آزاد شدند.

لیلی صدر (رادیو فردا): خبرگزاری دانشجویان ایران و خبرگزاری نیمه رسمی کارایران موسوم به ایلنا به نقل از آیت الله عبدالنبی نمازی دادستان کل جمهوری اسلامی گزارش دادند در جریان تظاهرات اخیر، جمعاً 4 هزار نفر در سراسر کشور بازداشت شدند. 40 درصد از بازداشت شدگان بلافاصله آزاد شدند. آیت الله نمازی که برای نخستین بار ارقامی رسمی در ارتباط با کسانی که در سراسر ایران بازداشت شده اند ارائه می داد، افزود در حال حاضر 2 هزار نفر همچنان در زندان به سر می برند که تنها تعداد اندکی از آنان دانشجویان هستند. وی در مورد شهر تهران که کانون تظاهرات ده روزه 10 تا 20 ژوئن جاری بود، گفت 800 نفر در تهران بازداشت شدند.

خبرگزاری رویتر در گزارشی نوشت تظاهرات تهران هنگامی آغاز شد که گروه کوچکی از دانشجویان به خصوصی شدن برخی از دانشگاه ها اعتراض کردند. اما اعتراض این گروه به سرعت تبدیل به تظاهرات گسترده ای علیه رژیم در اطراف دانشگاه تهران شد و برخوردهای سختی را با اعضای سپاه پاسداران و نیروهای بسیج به دنبال آورد.

این تظاهرات که جدی ترین تظاهرات در پی زد و خوردهای 9 ژوئیه سال 1999 تهران بود، به شهرستان ها نیز سرایت کرد و طی آن تظاهرکنندگان به طرز بی سابقه ای علیه آیت الله خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی شعار دادند. دامنه تظاهرات هنگامی بالا گرفت که دولت دست به سرکوب تظاهرکنندگان زد و در جریان آن عده ای به سختی مجروح شدند و صدها تن بازداشت گردیدند. یکی از تظاهرکنندگان در شرایطی که هنوز جزئیات آن روشن نشده است، در شیراز جان خود را از دست داد.

به نقل از آیت الله نمازی دادستان کل ایران گفته شد مقامات دولتی برگزاری مراسم سالگرد آشوب های ژوئیه سال 1999 را ممنوع اعلام کرده اند. رویتر در گزارش خود افزود سرکوب تظاهرات اخیر، خشم گسترده دانشجویان ایران را در پی داشته و محمد خاتمی رئیس جمهوری اصلاح طلب ایران را در فشار بیشتری قرار داده است. آقای خاتمی از حق دانشجویان در تظاهرات دفاع کرده، اما نظرات او اثر چندانی در نیروهای امنیتی، قوه قضائیه و نهادهای اطلاعاتی کشور نداشته است. در همین حال، 160 تن از فعالان دانشجویی روزجمعه طی نامه سرگشاده ای به محمد خاتمی رئیس جمهوری، از وی خواستند تا وقت باقی است به دفاع از حق اعتراض برخاسته و جلوس و صدها را بگیرد و در غیر این صورت شجاعانه از مقام خود استعفا کند.

دادستان کل کشور: امسال چیزی به عنوان برگزاری مراسم 18 تیر نخواهیم داشت

خبرگزاری کار ایران - جمعه 6 تیر 1382 - 27 ژوئن 2003

دادستان کل کشور گفت: از نظر مسئولان ضرورتی برای برگزاری مراسم سالگرد 18 تیر وجود ندارد، بنابراین امسال چیزی به عنوان برگزاری مراسم 18 تیر نخواهیم داشت.

آیت الله نمازی در حاشیه گردهمایی سراسری قوه قضائیه به خبرنگار خبرگزاری کار ایران گفت: مسئولان آموزش عالی و دانشگاهها در کار کارشناسی به این نتیجه رسیده اند که در درون دانشگاه مراسمی برای 18 تیر برگزار نشود و در بیرون دانشگاه نیز مسئولان امنیتی بالاتفاق همین نظر را دارند. نمازی در مورد بازداشت شدگان حوادث اخیر گفت: عده ای از بازداشت شدگان در اختیار قوه قضائیه و در زندان اوین هستند و عده ای نیز در اختیار دستگاههای امنیتی هستند.

نمازی در مورد محارب بودن دستگیر شدگان گفت: آنچه در فقه داریم این است که اگر کسی برای ارباب و تهدید، دست به اسلحه ببرد، حکم محارب دارد اما اینکه چه کسانی این کار را کرده اند و مصادیق آن چه کسانی هستند، بستگی به اطلاعات و اسنادی دارد که در پرونده مطرح می شود و اگر ثابت شود که افرادی به روی مردم سلاح کشیده اند، محارب هستند.

وی عملکرد نیروی انتظامی در برخورد با اغتشاشگران را عقلانی و با متانت ارزیابی کرد و گفت: در دنیا شاید نمونه ای پیدا نکنید که پلیس مورد هجوم قرار بگیرد و دست به اسلحه نبرد و از خود دفاع نکند. نمازی افزود: جای تأسف است که در یک فرهنگ ایرانی و اسلامی، پلیس که مظهر اقتدار يك ملت است، مورد اهانت و فحاشی قرار می گیرند.

وی ابراز امیدواری کرد: کسانی که این کار را کرده اند به خود بیایند و آنهایی که تحصیل کرده هستند مطالعه کنند و ببینید که آیا تعرض و تعدی به اموال عمومی صحیح بوده است.

صباح زنگنه: آمریکا باید اعضای گروه تروریستی منافقین را تحویل ایران دهد

خبرگزاری فارس: جمعه 6 تیر 1382 - 27 ژوئن 2003

صباح زنگنه مشاور وزیر امور خارجه در مورد درخواست اخير آمریکا از ایران گفت: از دولت آمریکا نیز انتظار داریم که او نیز به قطعنامه 1373 و با لاف به چارچوب آن پایبند باشد و با عناصر تروریست موجود در آمریکا برخورد و آنان را به دولت ایران تحویل دهد.

زنگنه افزود: ایران به قطعنامه 1373 شورای امنیت در خصوص مبارزه با تروریسم پایبند است و دولت ایران بارها از دولت آمریکا درخواست کرد که رهبران گروهک تروریستی مجاهدین خلق را تحویل ایران نماید و با راستی و شفافیت به قطعنامه‌ها و قوانین بین‌المللی عمل نماید. و ی افزود: در مورد زندانیان القاعده موجود در ایران، باید گفت که اینها همچنان تابع کشورهای خود هستند و احتمال دارد که این زندانیان تحویل کشورهای خود داده شوند و اگر تابعیت آنان از سوی کشورهای مربوطه تکذیب شود، آنگاه دستگاه قضایی ایران تصمیم مناسب را در مورد آنان اتخاذ خواهد کرد.

وی در پاسخ به این سوال به گزارش شبکه عربی و آفریقایی صدای جمهوری اسلامی ایران، که آیا «ایران نیز از دولت آمریکا می‌خواهد که عناصر مجاهدین خلق را تحویل مقامات ایرانی دهد؟» گفت: ایران با اعضای سازمان القاعده برخورد می‌کند، آنها را بازداشت و مورد تحقیق و بازرسی قرار می‌دهد چرا که ورود آنان به ایران مخالف قوانین و مقررات کشور است و حتی احتمال دارد، که آنها را محکوم کند.

آیت الله جنتی، دبیر شورای نگهبان، امام جمعه موقت تهران: اگر حمایت‌های آمریکا از منافقین نبود، آنها از بین رفته بودند
جمعه 6 تیر 1382 - 27 ژوئن 2003

در قوه قضاییه پالایش درونی لازم است و اگر این کار صورت گیرد، مسلماً اعتماد مردم نسبت به این دستگاه بیشتر جلب می‌شود و این دستگاه بهتر می‌تواند در راستای اجرای عدالت عمل کند. به گزارش ایسنا، آیت الله جنتی، دبیر شورای نگهبان، در خطبه‌های نماز جمعه امروز تهران، با اشاره به حادثه هفتم تیر، آن را فاجعه عجیبی دانست و گفت: دشمن زمانی نقشه براندازی کشید که دید این نظام اهل سازش نیست و امام حاضر نیست کمترین لیخندی به آمریکا بزند و یا کمترین چراغ سبزی به آنها نشان دهد.

وی حادثه هفتم تیر را یک ترور خونین دانست و افزود: اگر این نقشه‌ها در هر کشور دیگری اجرا می‌شد، نظام آن کشور را سرنگون می‌کرد، در حالی که در این کشور محاسبات دشمنان اشتباه شد زیرا این نظام یک نظام ارزشی با حمایت عظیم مردمی است. جنتی با بیان اینکه انقلاب ما انقلابی الهی - مردمی، با رهبری امامی بود که با هیچ کس تعارف نداشت و مطیع فرمان حق بود، افزود: نقشه‌های دشمن در 7 تیر کمترین ضربه‌ای به نظام وارد نکرد و ذره‌ای پایه‌های نظام را سست و مردم را نسبت به انقلاب بی‌اعتنا نکرد، بلکه مردم با تشییع بی‌سابقه‌ی پیکر شهید بهشتی و یارانش به دشمن نشان دادند که همان عناصری که این نظام را به وجود آوردند، هنوز فعالند.

وی با طرح این پرسش که آیا تروریسمی بالاتر، فاجعه آمیزتر، زشت‌تر و بدتر از کشتن خونین نخبگان یک کشور وجود دارد؟ گفت: آیا دنیای امروز آن را محکوم کرد؟ خطیب جمعه تهران در این راستا به نقش منافقین و تاثیر حمایت آمریکا از آنان اشاره کرد و افزود: اگر حمایت‌های آمریکا از منافقین نبود، آنها از بین رفته بودند.

دبیر شورای نگهبان با اشاره به هفته قوه قضاییه، احیای دادسراها و تشکیل هیات‌های حل اختلاف را از اقدامات بنیادین قوه قضاییه خواند و با اشاره به وجود قضات پاکدامن و شریف که طبق قانون و عدالت عمل می‌کنند و طمع مادی ندارند، گفت: قوه قضاییه برخی قضاتی که طماع هستند یا تبعیض قائل می‌شوند را به حال تعلیق درمی‌آورد.

وی با تاکید بر این که پالایش درونی در قوه قضاییه لازم است، ادامه داد: حکومت ما حکومت مستضعفین است، دستگاه قضایی باید در خارج از قوانین خود به بیچارگانی که به آنها مراجعه می‌کنند، راهنمایی و مشورت برساند.

جنتی با اشاره به حوادث اخیر کوی دانشگاه تهران از دستگاه‌های مختلف اطلاعاتی، امنیتی، قضایی، انتظامی و مسوولان دانشگاهی که با رهبری مقام معظم رهبری، به موقع عمل کرده و غائله را مهار نمودند، تشکر کرد.

وی تصریح کرد: به کسانی که در این ماجرا فریب خورده‌اند باید تذکر داد. بین آنها اقشار مختلفی از جمله دزد، قاچاقچی، ساواکی و ولگرد خیابانی نیز وجود داشت.

جنتی تاکید کرد: با عوامل اصلی باید طبق قانون برخورد کرد، اما عوامل فرعی را هم نمی‌توان رها کرد. آنها باید بفهمند تا دوباره فریب نخورند و اگر خوردند، باید غرامت آن را بپردازند.

وی تاکید کرد: قوه قضاییه باید با حدیث با قضیه برخورد کند. این باعث می‌شود که مردم خیالشان راحت شود و امنیت داشته باشند.

خطیب جمعه امروز تهران افزود: این بوش و بلر خبیث و سخی باید بفهمند که با چه مردم و نظامی طرفند. الان مبارزه با آمریکا مبارزه با ناامنی است.

وی با بیان اینکه ما اهل جنگ و تعرض نیستیم، گفت: اگر کسی به ما کاری نداشته باشد، ما با او کاری نداریم.

جنتی با بیان اینکه هر شخص و گروهی در ایران مورد حمایت آمریکا قرار گیرد، مورد تنفر و بیزاری مردم قرار می‌گیرد، گرانی را مساله روز و اساسی کشور توصیف کرد و افزود: گرانی؛ قابل کنترل است و می‌توان جلو آن را گرفت زیرا ما هیچ مشکلی لاینحلی نداریم.

تروریسم و سلاحهای کشتار جمعی

خطر نسل سوم القاعده

گرگ بارو خبرنگار بی بی سی - جمعه 6 تیر 1382 - 27 ژوئن 2003

نسخه ای از پیش نویس گزارش تازه سازمان ملل متحد در مورد ادامه تهدید القاعده و سایر گروههای مرتبط با آن اخطار می دهد و می گوید این تهدیدها درحالی ادامه دارد که تلاش جهانی برای مسدود کردن حسابهای بانکی، بریدن منابع مالی و بازداشت اعضای القاعده نیز ادامه داشته است. این گزارش را گروهی به نام نظارت بر القاعده منتشر کرده است که در سال 2001 از سوی شورای امنیت سازمان ملل تشکیل شد.

این گزارش تصویر نوظهوری از افراطگرایی اسلامی ارائه می کند که براساس آن القاعده را باید نه تنها سازمان، بلکه ایدئولوژی نیز به شمار آورد که به نوشته تدوین کنندگان گزارش باعث می شود ردیابی و بازداشت اعضای القاعده بیش از پیش دشوارتر شود.

پیش نویس گزارش گروه نظارت بر القاعده جای زیادی برای بی تفاوتی و رفتن به خواب غفلت باقی نمی گذارد و تلاش جهانی برای محدود کردن فعالیتهای القاعده را موثر می داند، اما در عین حال به حملات اخیر به مجتمع مسکونی خارجیان در عربستان سعودی و بمبگذاریهای مراکش، چین و افغانستان به عنوان شواهدی از تهدید جدی القاعده اشاره می کند.

مایکل چندلر، رئیس گروه نظارت سازمان ملل بر مشکلات کنترل گروهی که وی نسل سوم حامیان القاعده خواند تأکید دارد، حامیانی که بیشتر با انگیزه های عقیدتی و نه لزوماً تماس مستقیم با بنیانگذاران القاعده به عضویت این شبکه درآمده اند.

وی نسل سوم را کسانی توصیف می کند که هرگز به افغانستان نرفته اند و در جریان تکامل القاعده هرگز بخشی از این شبکه نبوده اند اما همان ایدئولوژی را اتخاذ می کنند و می خواهند به همان شیوه رفتار و عمل کنند.

پیش نویس گزارش، که ماه ژوئیه در شورای امنیت بررسی خواهد شد، اعضای سازمان ملل را ترغیب می کند به تعهدات خود تحت قطعنامه های جاری سازمان ملل عمل کنند و گزارش اقدامات خود برای کنترل فعالیتهای القاعده را تحویل دهند.

همچنین از آنها می خواهد اطلاعات دقیقی درباره اعضای منفرد القاعده ارائه کنند تا این افراد بازداشت و از سفر آنها جلوگیری شود.

این گزارش همچنین قویاً به نفع بهبود تلاشها جهت بریدن جریانهای مالی القاعده استدلال می کند و انسداد حسابهای بانکی را کافی نمی داند.

در این گزارش، از نظارت دقیق بر عملکرد مؤسسات خیریه و تحقیقات موثر در مورد کلیه داراییهای آنها، از جمله مؤسسات متعلق به افرادی که به خاطر حمایت یا همدردی با القاعده شناخته می شوند حمایت شده است

دستگیری 50 تن از اعضای القاعده مسئول عملیات انتحاری در عربستان سعودی

امیر آمین (رادبو فردا): جمعه 6 تیر 1382 - 27 ژوئن 2003

يك مقام وزارت کشور عربستان سعودی، به خبرنگار آسوشیتدپرس گفته است: تسلیم علی عبدالرحمن الفقصی القندی در روز پنجشنبه، حاصل تلاشهای بی وقفه ماموران در شناسایی و دستگیری عاملان حمله های انتحاری 12 ماه مه است که طی آن 34 نفر کشته شدند. در پی آن پلیس در روز 14 ماه ژوئن، به يك هسته تروریستی در مکه حمله برد و گفته شد اعضای هسته در صدد برنامه ریزی برای يك برنامه تروریستی دیگر بودند. مقام وزارت کشور سعودی می گوید حلقه محاصره روزبه روز تنگتر میشود. همه جا تحت بازرسی ایجاد شده و افراد مورد سوءظن به طور منظم دستگیر می شوند و القندی، راهی جز تسلیم شدن نداشت. به گفته او القندی در بندر جدّه حاضر به تسلیم شد، به شرط آنکه امیر محمد بن نایف، معاون وزارت کشور، شخصا در مراسم تسلیم وی حضور یابد.

روزنامه اکاز از قول امیر نایف، وزیر کشور سعودی می نویسد: القندی صبح زود به خانه بن نایف رفته و خود را تسلیم کرده است. امیر نایف، وزیر کشور سعودی، ابراز امیدواری کرده است که تعداد بیشتری از افراد مورد سوء ظن، خود را تسلیم کنند. هنوز به قرار اطلاع، ترکی ناصر الدندان، عضو شبکه القاعده و مظنون به دست داشتن در بمب گذاری ریاض، در عربستان سعودی به سر می برد و دستگیر نشده است. از زمان بمب گذاری های ریاض، پلیس سعودی بر شدت اقدامهای افزودن و واحدهای ویژه در لباس شخصی ضد گلوله و مجهز به سلاح گرم در نقاط بازرسی مستقر شده و در شهرهای بزرگ، اوراق شناسایی افراد را بررسی می کنند. اتومبیلها را متوقف می سازند و به بازرسی می پردازند. وزیر کشور سعودی می گوید تا کنون 50 فرد مظنون به دست داشتن در بمب گذاری ریاض و هسته توطئه مکه، بازداشت شده اند. بنابر گزارشها، القندی با شبکه تروریستی القاعده ارتباط داشته و جزء

نوزده نفری است که پلیس سعودی در صدد دستگیری وی بوده است. عبدالرحمن، پدر القندی، روز جمعه در گفتگو با روزنامه الرياض، اقدام پسرش القندی در تسلیم شدن را تأیید کرده است. الرياض می نویسد: القندی مدت 5 سال در افغانستان و چین، در کنار نیروهای طالبان و القاعده می جنگیده و در دانشگاه اسلامی سعودی، تحصیل کرده، اما هرگز فارغ التحصیل نشده است. مقامهای ضد تروریستی آمریکا امیدوارند با توقیف القندی در عربستان سعودی، عملیات شبکه القاعده در عربستان مختل شود.

القندی با نام مستعار ابوبکر العضدی، تا سال 2001 در ترابرا در افغانستان، یعنی در محلی که گفته می شود بن لادن در آنجا مخفی شده است، حضور داشته و پیش از آغاز بمباران ترابرا، توسط نیروهای آمریکایی، آنجا را ترک کرده است. مقامهای آمریکایی می گویند: القندی با سیف العدل و ابومحمد المصری، دو تن از افراد برجسته القاعده، در تماس بوده و گفته می شود این دو نفر در ایران مخفی شده اند. القندی همچنین با خالد شیخ محمد که اکنون در بازداشت دولت آمریکا به سرمیرد و بنا به گزارشها از طراحان حمله های 11 سپتامبر به آمریکا بوده، همکاری داشته است.

ایران هشت عضو القاعده را به مصر تحویل می دهد

جمعه 6 تیر 1382 - 27 ژوئن 2003

شبکه تلویزیونی الجزیره قطر امروز اعلام کرد: مسؤولان ایرانی و مصری مشغول مذاکراتی فوق محرمانه در قاهره هستند.

به گزارش سرویس بین الملل خبرگزاری کار ایران، ایلنا، خبرنگار این شبکه از قاهره گزارش داد: محور اصلی این مذاکرات، چگونگی تحویل هشت نفر از اعضای القاعده به مصر است که طی دوماه گذشته در ایران دستگیر شده اند.

منابع مطلع اعلام کرده اند که این هشت نفر از دستیاران نزدیک "ایمن الظواهری" رئیس سابق جنبش جهاد اسلامی مصر و مرد شماره دو شبکه القاعده، هستند.

پیش از این دکتر سیدکمال خرازی وزیر خارجه کشورمان از تحویل عناصر مصری تبار دستگیر شده القاعده در ایران به کشور میبوعشان در تابستان سال گذشته خبر داده بود.

سید هادی خسروشاهی کاردار ایران در مصر نیز چندی پیش در گفتگو با روزنامه الزمان چاپ لندن از گفتگوهای فشرده ایران و مصر در آمریکا خبر داده بود.

مداخله رژیم ایران در عراق

بازتاب رویدادهای عراق و دخالت جمهوری اسلامی در مطبوعات بریتانیا

فربیا مودت (راديو فردا): جمعه 6 تیر 1382 - 27 ژوئن 2003

نشریات بریتانیا نیز در مورد عراق و به ویژه آنچه این مقالات دخالتهای ایران در امور این کشور خواندند، منتشر کردند. همکار راديو فردا، شهران طبری در لندن نگاهی به این مقالات دارد.

شهران طبری (راديو فردا): در لا به لای مطالب که روزنامه های صبح امروز لندن به عراق اختصاص داده اند، روزنامه تایمز مقاله ای دارد که در آن می گوید: اکنون هفته ها است که رهبران قومی عراق به فرماندهان بریتانیایی هشدار می دهند که دسته هایی از شبه نظامیان اسلامی که در ایران تعلیم دیده اند، به جنوب عراق نفوذ کرده اند. اما همین سرکردگان قومی عراق می گویند: افسران عالی رتبه بریتانیایی به قدری مشغول جنگیدن و دستگیر کردن فدائیان صدام و مزدوران خارجی آنها بوده اند که این بلیه جدید را نادیده گرفته اند. در مورد این میلیشیا (گروه شبه نظامی) تربیت شده در ایران

اطخارهایی صورت گرفته بود، از جمله آن که گفته شد: آنها که قصدشان بیرون راندن نیروهای متحدین از عراق است، منتظرند تا هرجا که مردم محلی از موضوعی ناراضی به نظر می رسند، آنها را تحریک کرده و این ناراضی را به شورش بدل کنند.

اکنون بازرسان ارتش در حال پیگرد و بازجویی این اسلامی های افراطی هستند تا در یابند که آیا آنها در حمله روز سه شنبه به چتربازان بریتانیایی و محاصره پاسگاه پلیس شهر که در آن 6 سرباز نیروی پلیس بریتانیا کشته شدند، دست داشته اند یا نه. گزارش داده می شود که اکنون دسته هایی از این

تندروها به دهکده های دور افتاده عراق نفوذ کرده اند و از ایران سلاحهای سنگین با خود می آورند. این منطقه بزرگ کویری بین دو کشور، سالیان دراز مرکز فعالیت های تبه کاران و راه انواع قاچاق بوده است. سرنگونی نظام صدام حسین برای آنها این فرصت را فراهم آورده که فعالیت های خود را تشدید کنند و

نیروهای بریتانیا که در برقراری نظم در جنوب عراق اولویت را به شهرهایی مانند بصره داده اند، از این منطقه غافل بوده اند. ژنرال پیتر وال، فرمانده نیروهای بریتانیا در جنوب عراق گفت: ما می دانیم گروه های فرصت طلبی هستند که می خواهند از شرایط موجود سوء استفاده کنند و اهداف خود را به

پیش برند.

روزنامه فایننشال تایمز درباره کردهای عراق مطلبی دارد و می نویسد: دو ماه پس از سرنگونی نظام بعثی عراق، اولین نشانه های نا رضایتی در منطقه کردستان شمال عراق از ناامنی و نابسامانی

موجود در سایر نقاط کشور، به چشم می خورد. با این حال رهبران کردستان عراق همچنان اعتقاد دارند که با ادامه همکاری میان مقامات آمریکا و نمایندگان گروه های سیاسی عراق، بالاخره راه حل

مورد قبول پیدا خواهد شد. جلال طالبانی رهبر جبه میهنی کردستان گفته است: می تواند مجسم کند که تا 3 ماه دیگر دولت موقت در عراق در راس امور باشد. دولتی که تمام گروههای ابوزیسیون سابق عراق در آن شرکت داشته باشند. از جمله سیری یا مجلس اعلاي انقلاب اسلامي عراق که آمریکا از نزدیکی آن با ایران خشنود نیست.

اما آقای طالبانی سیری را جنبش شیعه معتدل و بزرگی می خواند که رهبرش محمد باقر حکیم، افکار و نظرات مستقل خود را دارد. با آنکه رهبران کردستان عراق و مردم این منطقه از ایالات متحده حمایت می کنند و آن کشور را متحد خود می دانند، از تعجیل آمریکا در همسانسازی این منطقه با سایر نقاط عراق چندان راضی نیستند. کردها بلافاصله پس از پایان جنگ در شهرهای موصل و کرکوک، نظم و آرامش را برقرار کرده اند، به روش دموکراتیک نمایندگان شوراهای شهر را انتخاب کرده اند، مغازه ها را به راه انداخته اند و پلیسشان نظم را در خیابانها تضمین کرد. رشدی عزیز، وزیر دادگستری در سلیمانیه می گوید: من آرزو دارم دستاوردهای ما و نظم و دموکراسی که ما برقرار کرده ایم، به تمام عراق سرایت کند. اما ترس من از آن است که هرج و مرج آنها دامنگیر ما شود.

ریختن خون یهودیانی که در عراق زمین می‌خرند حلال است

سایت بی عنوان - جمعه، 6 تیر 1382

آیت‌الله کاظم حائری با صدور فتوایی ضمن تحریم هرگونه فروش زمین در عراق به یهودیان، حکم ریختن خون این افراد را صادر کرد. به گزارش ایسنا به نقل از روزنامه‌ی البیان چاپ امارات، آیت‌الله کاظم حائری، یکی از علمای دینی برجسته‌ی عراق در این فتوا هم چنین هرگونه خرید و فروش دیگر را نیز با یهودیان حرام اعلام کرد. آیت‌الله حائری در این فتوی هم چنین بیان داشته است از زمان صدور فتوی هر یهودی که اقدام به خرید خانه یا زمین کند ریختن خونش حلال است.

رویدادهای عراق، دولت آینده و نیروهای موثر در آینده عراق

جستجو برای یافتن صدام وارد "دنده سیک" شده است

خبرگزاری فارس: جمعه 6 تیر 1382 - 27 ژوئن 2003

جستجو برای یافتن صدام‌حسین با افزایش حملات نیروهای ائتلافی سرعت گرفته است به گزارش آسوشیتدپرس، آمریکا يك تیم پنهانی از نیروهای مخصوص، که گروه ضربت 20 نام دارند را برای جستجوی صدام و طرفداران وی، یعنی عدی و قصبی و دیگر اعضای گروه پرنفوذ او تشکیل داده است.

در همین رابطه ژنرال «جان ایپی زید» که به جای تامی فرانکس به عنوان رئیس ستاد فرماندهی نیروی آمریکایی منصوب شد به هیأت منصفه سنای آمریکا گفت: اطمینان حاصل شده است که کشف مکان‌های صدام نه تنها برای آمریکا بلکه برای عموم عراقی‌ها حساس و مهم است. وی افزود: این مسئله بسیار مهم است زیرا او يك دیکتاتور حاکم بود که هزاران تن از مردم خود را کشت و برای مردم عراق مهم است تا این کابوس وحشتناکی که صدام بر آنها تحمیل کرده بود را از بین ببرند. "جوسلین آبرل" سخنگوی لشکر چهارم پیاده نظام آمریکا و "بیل مک دونالد" از همین لشکر از گزارش جزئیات گروه ضربت 20 خودداری کردند.

"آبرل" گفت: گروه ضربت 20 از تجهیزات استاندارد همانند خودروهای زرهی و هلیکوپترها استفاده خواهند کرد. مقامات می‌گویند تردید در مورد سرنوشت وی نماد همگرایی احساسات ضدآمریکایی شده است.

صدام کجاست؟ زنده یا مرده؟

خبرگزاری فارس: جمعه 6 تیر 1382 - 27 ژوئن 2003

امریکا روز گذشته اعلام کرد شایعات مربوط به زنده بودن صدام، سبب تشدید حملات و خرابکاریها و مانعی در گفتن حقایق از سوی مردم عراق در مورد سلاح‌های کشتار جمعی ایجاد کرده است. به گزارش شبکه تلویزیونی آلمان، با توجه به این مسئله آمریکا جستجوی همه جانبه خود را برای یافتن صدام همچنان در عراق پی‌می‌گیرد. هفته گذشته نیروهای آمریکایی به يك کاروان از خودروها در مرز سوریه حمله کردند؛ حمله بدان جهت صورت گرفت که گمان می‌رفت مقام‌های ارشد سابق عراق در آن هستند اما بعدا مشخص شد صدام و دو فرزندش در خودروها نبوده‌اند.

بنا به گفته خبرنگار این شبکه از بغداد، صدام قبل و بعد از جنگ مناطق مختلفی برای پنهان شدن داشته است او ابتدا در کاخ بزرگی به نام "رادوانیا" زندگی می‌کرد.

در این کاخ بزرگ 18 کاخ دیگر در زمینی به مساحت 40 کیلومتر مربع قرار داشته است اما صدام مرتبا مکان خود را تغییر می‌داده است.

يك مأمور گارد ریاست جمهوری عراق می‌گوید صدام در روز سوم و چهارم جنگ به این کاخ آمد و اندکی پس از آنکه این جا را ترك کرد این منطقه بمباران شد.

در هفتم آوریل صدام بار دیگر از مرگ حتمی زمانی که در منطقه «المنصور» در بغداد بود نجات یافت زیرا دقیقی قبل از آنکه منطقه بمباران شود صدام منطقه را ترك کرده بود مردم این منطقه حاضر نشدند در برابر دوربین این شبکه فرار گیرند. اما آنها به خبرنگار این شبکه گفتند 12 دقیقه قبل از بمباران منطقه صدام با خودرو بنز خود محل را ترك کرده بود.

مردم منطقه المنصور در بغداد می‌گویند حتی زمانی که او منطقه را ترك می‌کرد برای ما دست تکان می‌داد حتی اگر صدام در این منطقه بود احتمالاً از این بمباران جان سالم به در می‌برد زیرا محل اختفای او آسیب کمی دیده بود.

صدام از آنجایی که در آن زمان به يك افسر گارد خود مطمئن شده بود ناگهان محل را ترك کرد گرچه امریکاییان هم اکنون در حال خاک برداری محل تخریب شده المنصور هستند تا اثری از صدام بدست آورند.

بعضی از گزارش‌های دیگر حکایت از آن داشت که صدام در زمان بمباران در محل اختفای دیگری بوده است. تردید کمی وجود دارد که صدام دیکتاتور سابق زنده مانده باشد اما اکنون شایعات زیادی وجود دارد که او اکنون کجا است؟

احتمالاً او سعی نکرده عراق را ترك کند مردم در بغداد اعتقاد دارند صدام همچنان در یکی از محل‌های بغداد مخفی شده است.

صدام تنها مقام رژیم سابق نیست که امریکا در تعقیب وی است در فهرست پنتاگون اسامی 55 نفر قرار داد که بایستی دستگیر شوند که در حال حاضر 30 نفر از این 55 نفر دستگیر شده‌اند. امریکا همچنان امیدوار است که بازداشت شدگان سرنخی از رئیس سابق خود بدهند، هفته گذشته سربازان امریکایی حمید محمود التکریتی منشی و محافظ صدام را بازداشت کردند و امیدوار بودند که او بتواند سرنخی برای شناسایی محل اختفای صدام بدهد و امریکاییان در حال حاضر با توجه به اطلاعاتی که وی می‌دهد عملیات ویژه‌ای را آغاز کرده‌اند.

محمود التکریتی یکی از عناصر نزدیک و مهم رژیم صدام بوده است. بسیاری از عراقی‌ها پس از دستگیری محمود التکریتی خرسند شده‌اند. بعضی از عراقی‌ها می‌گویند محمود به اندازه صدام ترسناک بوده است. محمود در فهرست 55 نفری امریکا در ردیف هشت قرار دارد. از جمله عناصر مهم آن فهرست به جز صدام و دو فرزندش قصی و عدی، «عزت ابراهیم» معاون رئیس جمهوری و «علی حسن المجید» معروف به علی شیمیایی است؛ فردی که در سال 1998 در حلیچه بر ضد کردها گاز خردل استفاده کرد

دو سرباز امریکایی در عراق مفقود شدند

بی بی سی - جمعه 6 تیر 1382 - 27 ژوئن 2003

نیروهای امریکا در عراق به طور مرتب هدف حمله قرار دارند نیروهای امریکا در عراق در جستجوی دو سرباز هستند که تصور می‌شود در شمال بغداد ربوده شده باشند.

مقامات دفاعی امریکا می‌گویند این دو سرباز روز چهارشنبه، 25 ژوئن، موقعی که توفان شن درگرفته بود، از محل استقرار خود در نزدیکی شهر بلد ناپدید شدند.

در نزدیکی صحنه خون مشاهده شده است اما هیچ رد پای دیگری از سربازان یا خودرو، سلاح‌ها و تجهیزات دیگر آنها در دست نیست.

امریکایی‌ها می‌گویند سه عراقی به ظن دست داشتن در ربودن احتمالی این دو سرباز دستگیر شده‌اند.

همچنین گزارش‌هایی در دست است حاکی از اینکه یک نظامی امریکایی در عراق کشته شده است اما جزئیات این امر هنوز روشن نیست.

این وقایع تازه ترین مورد از یک رشته حملات به سربازان امریکایی و تجهیزات آنها در عراق است. خبرنگار بی بی سی در بغداد می‌گوید اگر ربوده شدن این دو سرباز امریکایی تأیید شود، این موضوع می‌تواند نشانگر روش دیگری از حمله به نیروهای امریکایی و بریتانیایی در عراق باشد.

ظهور وزیر اطلاع رسانی صدام در تلویزیون

بی بی سی - جمعه 6 تیر 1382 - 27 ژوئن 2003

آقای الصحاف ارتباطات ضعیف نظامی را عامل هر گونه اطلاعات غلطی دانست که او در کنفرانس‌های خبری خود داده بود

محمد سعید الصحاف، وزیر اطلاع رسانی حکومت صدام حسین برای اولین بار از زمان سقوط این حکومت در جنگ به رهبری امریکا، در یک شبکه تلویزیونی عربی ظاهر شده است.

وی تکیده به نظر می‌رسید و موهابش سفید بود.

آقای الصحاف که برخی از مطبوعات غربی به وی لقب "علی کمدی" داده بودند، گفته است داوطلبانه تسلیم نیروهای امریکا شد اما آنها بعداً او را آزاد کردند.

محمد سعید الصحاف در مورد کنفرانس های مطبوعاتی تلویزیونی که در جریان جنگ می داد گفت همواره به آنچه می گفت اعتقاد داشت

وی گفت درباره محل اختفای صدام حسین و دیگر اعضای کادر رهبری سابق عراق اطلاعی ندارد. وی ارتباطات ضعیف نظامی را عامل هر گونه اطلاعات غلطی دانست که او در این کنفرانس ها داده بود.

به گزارش شبکه تلویزیونی "العربیه" محمد سعید الصحاف خود را تسلیم نیروهای آمریکایی کرده است اما پس از بازجویی آزاد شد. آمریکایی ها می گویند از موضوع اطلاعی ندارند. شبکه تلویزیونی "العربیه" که در دویب مستقر است در بیانیه ای گفت که مصاحبه خود با صحاف را در ساعت هفت بعد از ظهر روز جمعه 27 ژوئن پخش خواهد کرد.

کنفرانس های روزانه خبری آقای صحاف در بغداد در جریان جنگ، که به طور فزاینده ای با واقعیت در تضاد بود، او را به چهره ای سرگرم کننده در غرب بدل کرد. او به هنگام ورود نیروهای آمریکایی به بغداد ناپدید شد.

یک سخنگوی ستاد فرماندهی آمریکا به بی بی سی گفت: "ما او را در اختیار نداریم و هیچ اطلاعاتی هم از نیروهایمان در عراق به ما نرسیده است که این گزارش ها را تایید کند."

او افزود: "وی قصه گوی شیرین زبانی است و ما منتظریم ببینیم چه چیزی برای گفتن دارد." یک روزنامه عربی زبان مستقر در لندن در ماه آوریل با انتشار خبری نوشت آقای صحاف تلاش دارد در عراق تسلیم نیروهای آمریکایی شود.

الشرق الاوسط نوشت آمریکایی ها از بازداشت او خودداری می کنند زیرا نام او در فهرست 55 مقام فراری رژیم صدام که آمریکایی ها در جستجوی آنها هستند قرار ندارد.

یک مقام کرد عراقی به این روزنامه گفت که آقای صحاف در خانه عموی خود در بغداد زندگی می کند و نیروهای آمریکایی او را زیر نظر دارند.

وی گفت وزیر سابق هنوز در تلاش است برای بازداشت خود با آمریکایی ها مذاکره کند چون نگران امنیت جانی خود در بغداد است

گزارش از غارت بانک های عراق توسط پسران صدام خبرگزاری کار ایران - جمعه 6 تیر 1382 - 27 ژوئن 2003

ساعت ها قبل از اولین بمباران هوایی آمریکا بر ضد بغداد، صدام حسین پسر خود را به خزانه بانک مرکزی عراق می فرستد تا نزدیک به یک میلیارد دلار را به وسیله 3 دستگاه تریلی خارج کند. به نوشته روزنامه نیویورک تایمز، یک منبع آگاه رسمی عراقی روز سه شنبه فاش کرد: " هنگامی که صدام حسین دستوری را صادر می کرد هیچ کس حق بحث کردن با او را نداشت."

او گفت قصی با نامه ای از مدیر اجرایی سوئیس ساعت 4 در 18 ماه مارس برای انتقال این مقدار پول به بزرگترین بانک جهان، وارد بانک مرکزی می شود.

طبق گزارش مقامات رسمی آمریکا مبلغ این پول حدوداً 900 میلیون دلار آمریکا بوده و این مقدار پول همراه با قصی و منشی مخصوص صدام، "عبید الحمید محمود التکریتی" به سوریه قاچاق شده است.

بعضی ها معتقدند که این پول برای مخفی گاه صدام خرج شده است؛ اما بعضی از اعضای کنگره ملی عراق بر این عقیده هستند که این پول برای استراتژی بعد از اشغال عراق و همچنین برگشت احتمالی صدام به رأس قدرت می باشد.

یک مقام رسمی عراق کسی که مقدمات عقب نشینی را فراهم کرد و منصبی عالی را در بانک مرکزی در زمان حکومت صدام برعهده داشت، می گوید: "صدام همیشه می ترسید که دستیاران و معاون های او یک روزی قدرت را از او بگیرند و یا او را به قتل برسانند. از زمانی که صدام برسر قدرت بود، حدود 20 سال قوانین عراق را تعیین می کرد. حساب بانکی و میزان پول نقد قصی در سوئیس معلوم نبود، اما مقدمات رسمی عراق گفتند بانک های عراق تا آن زمان هیچ گاه توسط صدام و پسرانش غارت نشده بود.

یک مقام رسمی نیز گفت: "بعضی وقت ها آنها میزان کمی پول به حساب شان وارد می کردند، شاید حدود 5 میلیارد دلار.

این مقام رسمی افزود: "در زمان تاخت و تاز آنها به بانک، "عبدالحمید محمود" منشی صدام با همکاری مدیر بانک مرکزی، وزیر دارایی عراق، مدیر خزانه عراق و گروهی از کارگران با کمک رانندگان کامیون ها، این مقدار پول را از بانک خارج کردند."

او ادامه داد: "وزیر دارایی به نام "حکمت العضاوی در حال حاضر در عراق توسط آمریکا بازداشت شده است."

دپارتمان رسمی خزانه داری آمریکا "جرج مولینکس" گفت: "قسمتی از 900 میلیارد دلار ضبط شده به وسیله قصی، ماه پیش هنگامی که نظامیان آمریکا حدوداً 650 میلیارد دلار را در یکی از کاخ های صدام پیدا کردند، برگردانده شده است.

البته یک مقام رسمی عراق این مقدار پول پیدا شده در یکی از کاخ های صدام را متعلق به پسر بزرگتر صدام به نام عدی می داند، کسی که شهرت به احتکار پول را داشته است.

او به نیویورک تایمز گفت: "این پول متعلق به عدی می باشد."

پول قصبی در بانک مرکزی حدوداً یک چهارم کل پول بانک مرکزی عراق بوده است. برطبق گزارش آمریکا و مقامات رسمی عراق این دومین باری است که عراقی ها تاراج شده اند.

تحلیل اوضاع ایران و عراق در رسانه های جمعی

نیشخند صدام به آمریکاییها

حضور صدام حسین در کاخ ریاست جمهوری عراق هنوز تکان دهنده است
طارق کفاله خبرنگار بی بی سی - جمعه 6 تیر 1382 - 27 ژوئن 2003

شیخون به نیروهای آمریکایی و بریتانیایی در عراق همچنان ادامه دارد و در همین حال این نیروها در تلاشند پیام خود را در سراسر عراق به گوش مردم برسانند. زمان حاضر مقطع سردرگم کننده ای برای عراقیهاست که می کوشند با واقعیت وجودی حاکمان تازه کشور کنار آیند.

پیشتر در ماه ژوئن اعلام شده بود که دفتر بازسازی و کمک های انساندوستانه تعطیل شده است. از سوی دیگر گروهی از خبرنگاران عراقی که در نشست خبری در ستاد منطقه ای نیروهای ائتلافی در حله در هشتاد کیلومتری جنوب بغداد گرد آمده بودند پرسشهای عاجلی در مورد این نیروها داشتند. "علت تغییر نام تازه چیست؟ این تغییر به چه معنی است؟ این تغییر چیزی را عوض می کند؟ آیا اقامت آنها در عراق طولانی تر خواهد بود؟ متصدی امور کیست؟" علت پرسشها این بود که "حکومت مدنی آمریکا و بریتانیا" ناگهان به "مرجع موقت قدرت نیروهای ائتلاف" تغییر نام داده بود و این نهاد اکنون تحت نظر پل برمر، دیپلمات آمریکایی که پیوندهای نزدیکی با دونالد رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا دارد اداره می شود.

همه چیز موقتی است

مجسمه های بازمانده از صدام حسین به نیروهای آمریکایی و بریتانیایی که تقلا می کنند در این کشور نظم برقرار کنند خیره شده اند

یکی از تفنگداران دریایی آمریکایی که مسئول روابط عمومی با رسانه هاست به کمک مترجم برای خبرنگاران عراقی توضیح داد که این تغییر نام نشانه تحول در پرسنل مدیریت نیروهای ائتلافی است، به این معنی که سربازان و مدیران نظامی به کشور خود بازمی گردند و دیپلماتها جای آنها را می گیرند. ژنرال جی گارنر و سایر مقامهای ارشد به آرامی کنار رفته اند و اکنون به واشنگتن بازگشته اند، رئیس تازه اداره امور عراق پل برمر است.

عراقیها گمان می کنند نامگذاری تازه ممکن است بر برخوردی متمرکزتر با اداره عراق و نیت آمریکا برای اقامت طولانی تر در این کشور نیز دلالت داشته باشد. در حال حاضر واژه های "انتقالی" و "موقت" تکیه کلام آقای برمر است؛ هر عراقی که برای انجام وظیفه ای خاص از سوی حکومت آمریکایی منصوب شده باشد، مقام "انتقالی" و هر تصمیم یا سیاستی "موقت" خوانده می شود.

تفنگدار دریایی برای خبرنگاران محلی توضیح داد که این بدان معنی است که اگر معلوم شود فرمانداری عراقی که آمریکاییها منصوب کرده اند، فردی فاسد، بی لیاقت یا دارای سوابقی است که او را بی صلاحیت می کند، اخراج خواهد شد.

مترجم کلمه اخراج در زبان انگلیسی (fire) را به "تیرباران" ترجمه کرد، اما نه مترجم و نه خبرنگاران از شنیدن کلمه "تیرباران" متعجب نشدند چون اعدام مقامهایی که دولت با آنها چپ می افند برای آنها عجیب نیست.

پس از آنکه کسی این اشتباه را به تفنگدار آمریکایی متذکر شد، او چندین بار تأکید کرد که هیچکس تیرباران نخواهد شد، اما برخی ممکن است اخراج شوند.

پژواک گذشته

آمریکاییها می کوشند افرادی مناسب برای پر کردن سمتهای خالی در ادارات و وزارتخانه ها پیدا کنند، مشکل اینجاست که کسانی که از تجربه و آموزش لازم برخوردارند به نوعی با حزب بعث صدام حسین در تماس بوده اند.

مردم عراق در دوره حکومت صدام برای پیشرفت در سطوح رسمی و اشغال سمتهای دولتی مجبور بودند به یکی از سطوح حزب بعث تعلق داشته باشند.

آمریکاییها بشدت بر اعلامیه ای کتبی اتکا می کنند که براساس آن، هرکس به مقامی منصوب شود باید هرگونه وفاداری یا عضویت در حزب بعث را محکوم کند. متأسفانه این اعلامیه حاوی پژواکهای تلخ گذشته است.

عراقیهایی که در دوره حکومت صدام حسین خواهان مشاغل دولتی بودند باید به حزب بعث می پیوستند و قسم وفاداری می خوردند، در واقع فرم یا اعلامیه ای کتبی وجود داشت که عراقیها در آن سوگند یاد می کردند به غیر از بعث به هیچ حزبی نپیوندند.

این فرم در عراق بدنام است چون در محاکمه کسانی که ادعا می شد ملی گرای کرد، عضو گروههای ناراضی شیعه، کمونیست یا هرگروه دیگری غیر از بعثند از آن استفاده می شد.

اگر کسی در زیر پا گذاشتن عهد خود با حزب بعث گناهکار شناخته می شد بدون شک اعدام می شد.
علائم نامناسب

همچنین بازتاب‌های دیگری، حداقل از لحاظ روانی از گذشته وجود دارد که تلاش برای ساختن عراقی نو را تضعیف می‌کند. دولت آمریکایی حاکم بر عراق هم اکنون در کاخ ریاست جمهوری استقرار دارد که محل اقامت و دفتر کار اصلی صدام حسین در بغداد بود. کلیه تصاویر رهبر سابق عراق در داخل کاخ به زیر کشیده یا پوشانده شده، اما حضور صدام حسین هنوز تکان دهنده است. بر فراز نمای قوسدار خارجی کاخ، شش مجسمه دو متری از سر صدام حسین قرار دارد که به نیروهای آمریکایی و بریتانیایی که تقلاً می‌کنند در این کشور نظم برقرار کنند خیره شده‌اند. و هر چند عراقیها و سربازان خارجی با شادمانی تصاویر و مجسمه‌های رهبر سابق عراق را به زیر کشیدند، اما چهره او با نیشخند همیشگی به عراق باز می‌گردد. آمریکاییها پس از آنکه متوجه شدند اسکناسهای بانکی موجود در بازار عمدتاً جعلی است مجبور شدند هزاران اسکناس 250 دیناری که تصاویر صدام بر آن نقش بسته است چاپ کنند

فقدان امنیت در عراق، تهدیدی برای فرآیند بازسازی

جانانان مارکوس خبرنگار بی بی سی - جمعه 6 تیر 1382 - 27 ژوئن 2003

تلفات فزاینده‌ای که نیروهای آمریکایی و بریتانیایی این هفته متحمل آن شدند، هم برای فرماندهان این نیروها و هم برای رهبران سیاسی این کشورها، یادآور تلخ این واقعیت است که فرآیند تحقق صلح در عراق به زمان نیاز دارد و هزینه‌های سنگینی در بر خواهد داشت. این موج از حملات پرسش‌هایی اساسی درباره عملیات امنیتی پس از جنگ ایجاد می‌کند و حتی برخی از تحلیلگران به نشانه‌های رشد نبردی چریکی علیه اشغال آمریکا اشاره می‌کنند. شکی نیست که موج حملات، به ویژه علیه نیروهای آمریکایی در عراق روبه افزایش است. نیروهای بریتانیایی نیز با شش کشته و هشت زخمی در دو حادثه جداگانه هفته بدی را پشت سر گذاشته‌اند.

چه کسانی حمله می‌کنند؟

مخالفت‌ها در درون عراق از بخش‌های مختلفی نشات می‌گیرد: وفاداران حزب بعث، ملی‌گرایان عراقی که با تهاجم به عراق خصومت می‌ورزند، گروه‌های تبهکار و جنگ‌سالاران محلی و شبه نظامیانی که در حال ایجاد و دفاع از حریم‌های تازه‌ای برای خود هستند از جمله منابع این حملات است. همچنین احتمال حضور پیکارجویان خارجی در این معرکه وجود دارد. شاید هنوز نتوان از یک جنگ تمام عیار چریکی سخن گفت، اما درگیری‌های کم‌سر و صدای خیابانی، از سوی هر گروهی که باشد، تأثیری فزاینده خواهد داشت. این پدیده تلاش‌های آمریکا و بریتانیا را برای بازگرداندن اوضاع به حال عادی تضعیف می‌کند. در واقع یکی از نگران‌کننده‌ترین تحولات اخیر حمله به مهندسان عراقی و سایر دستیاران آنهاست که تلاش داشتند تاسیسات زیربنایی عراق را راه‌اندازی کنند.

فقدان برنامه ریزی برای پس از جنگ

بخش عمده این مشکلات، از پایان نه‌چندان قاطعانه جنگ نشات می‌گیرد، بدین معنی که رهبران ارشد رژیم صدام حسین ظاهراً از معرکه گریختند و بخش‌های عمده‌ای از تشکیلات حزب بعث ناپدید شد.

اکنون شاهد ظهور مجدد برخی از آنها در نبردی تازه هستیم. اوضاع کنونی، جای زیادی برای خوشبینی باقی نمی‌گذارد.

البته دستاوردهای بسیاری حاصل شده است و از ابتدا نیز انتظار نمی‌رفت کنترل اوضاع پس از جنگ در عراق آسان باشد. اما این نگرانی وجود دارد که به ویژه آمریکایی‌ها برای شرایط پس از جنگ به خوبی برنامه‌ریزی نکرده‌بودند.

برای مثال در این که نیروهای کافی برای اعمال نظم و قانون وجود نداشت شکی نیست و به همین دلیل، احتمالاً فرصت مناسبی از دست رفته است.

تعبیر این اوضاع لزوماً این نیست که ناگهان همه چیز به سوی فاجعه پیش می‌رود، اما می‌توان نتیجه گرفت که برقراری امنیت، به عنوان زمینه اصلی بازسازی عراق، بسیار دشوارتر خواهد بود

جهان پس از جنگ

بی‌اعتنایی بی‌بی‌سی نسبت به اعمال فشار دولت بریتانیا

بی‌بی‌سی - جمعه 6 تیر 1382 - 27 ژوئن 2003

آقای کمپل بی‌بی‌سی را به دروغ‌گویی درباره وقایعی که قبل از اشغال عراق رخ داد، متهم کرده است

ریچارد سمبروک، رییس بخش خبری بی‌بی‌سی از شیوه روزنامه‌نگاری این شبکه در مقابل آنچه اعمال فشار بی‌بی‌سی سابقه دفتر نخست‌وزیر بریتانیا خواند، دفاع کرده است.

وی این مطلب را در واکنش به اولتیماتومی بیان کرد که الستر کمبل، رییس ارتباطات دفتر نخست وزیر بریتانیا به بی بی سی داده است.

آقای کمبل بی بی سی را به دروغگویی درباره وقایعی که قبل از اشغال عراق رخ داد، متهم کرده است.

الستر کمبل به ویژه به یک گزارش بی بی سی اشاره دارد که در آن گفته شده بود برخی از مقامات اطلاعاتی بریتانیا نسبت به ادعای دولت در این باره که عراق می تواند سلاح های کشتار جمعی خود را ظرف 45 دقیقه به کار گیرد، ناخشنود هستند.

آقای کمبل برای آقای سمبروک مهلتی برای پاسخ دادن به شکایتش تعیین کرده است. ریچارد سمبروک گفت بی بی سی پاسخ مقتضی را خواهد داد اما نه در چارچوب مهلتی که توسط آقای کمبل دیکته شده است

کوناگون

اعلامیه ی کمیته ی بین المللی برای گذار به دموکراسی در ایران

در روزهای اخیر دانشجویان دانشگاه های تهران و دیگر شهرهای بزرگ ایران نسبت به برنامه ی دولت برای خصوصی کردن دانشگاه های ایران دست به اعتراض زده اند. این اعتراض به سرعت مورد پشتیبانی ایرانیان قرار گرفت و به تظاهرات بر ضد دینسالاری و برخورد بین دانشجویان و گروه های اوباش تندرو در اطراف محیط دانشگاه و خوابگاه های دانشجویی بدل شد. يك بار دیگر مردم ایران خواست خود را برای آزادی و رفرا ندیم بیان داشتند.

کمیته ی بین المللی برای گذار به دموکراسی در ایران، با توجه به نارضایی های دانشجویان و مردم ایران، حق ایشان را برای تعیین سرنوشت خویش مشروع می شناسد و از آن پشتیبانی می کند. حق [مردم ایران] تنها می تواند در اوضاع و احوال ضامن آزادی بیان برای همه ی ایرانیان، صرفنظر از عقاید شان، متحقق شود. این کمیته بر این است که ایرانیان بایستی بدون سرکوب داخلی و بدون دخالت خارجی از فرصت تعیین سرنوشت خویش برخوردار شوند.

ازین رو، این کمیته افکار عمومی جهان را فرا می خواند تا به به وضعیت ایران توجه کنند و از مبارزات مسالمت آمیز مردم آن کشور برای [استقرار] دموکراسی، استقلال و آزادی زندانیان سیاسی، بر هر عقیده ی که باشند و [نیز] رفرا ندیمی به منظور تصمیم گیری در مورد آینده ی خویش، پشتیبانی کنند.

۲۳ ژوئن ۲۰۰۳

Members/Membres

Samir Amin, Economist. Antonio L. Antunes, Novelist (Portugal). Claude Cheysson, Fmr Fr. For. Minister. Regis Debray, Phiosopher. M.-Ch. Ferjani, Pol. Scientist/Islamologist (CNRS, Univ.Lyon II). Philippe Fritsch, Sociologist (Univ. Lyon II). Costa Gavras, Film Director. Antonio Gomez-Moriana, Prof. of Comparative Literature (Montreal & Vancouver, The Canadian Academy of Sciences and Humanities). Albert Jacquard, Scientist. Peter von Moos, Historian (Germany). Paul Noirot, Publisher (Paris). José Saramago, (Noble Laureate, Literature). Roland Sublon, Fr. Dean, Faculty of Theology (Strasbourg). Jean.-Pierre Vernant, (Historian, Collège de France). Jean Ziegler, Sociologist, UN Special Rapporteur (Geneva). Hélène Antomadis-Bibicou, Hisorian. André Guillou, Historian. Maurice Godelier, Anthropologist. Alain Joxe, Sociologist. Pierre Vidal-Naquet, Historian (Ecole des Hautes *.(Etudes en Sciences Sociales, Paris

Supporters

Francesca Albertini, Dept. of Phil. Freiburg Univ. Ian Angus, Prof. of Humanities (Vancouver). Adré Brigot, Sociologist. Noam Chomsky, Professor of Linguistics (MIT). C. Fuehrer, Pastor (Leipzig). A.M. Hochet, Sociologist. John G. Mason, Political Scientist (N.Y.). Geraldo Otero, Sociologist (Vancouver). Harold Pinter, Playwright. Edward Said, Prof. of Literature. Imre

نامه تکانهنده آقای علیرضا جباری به خاتمی

جناب آقای خاتمی، رئیس جمهور محترم

اینجانب علیرضا جباری، فرزند محمد حسین، دارنده شناسنامه 1159، صادره از شیراز، متولد 1323 شیراز، که از تاریخ سه شنبه 27 اسفندماه 1381، از مجتمع ویژه قضایی مهرآباد به زندان رجایی شهر کرج اعزام شده ام، بدین وسیله شکایت خود را نسبت به رفتار و چگونگی عملکرد جناب آقای صابری ظفرقندی، قاضی شعبه 1610 دادگاه ویژه مهرآباد، اعلام می دارم.

در تاریخ 7 دیماه 1381، از طریق مأموران اداره اماکن نیروی انتظامی، دو مأمور آن اداره تحت سرپرستی شخصی با نام مستعار «کرمانی»، به خانه مسکونی‌ام اعزام شده و چون من در ساعت 8/30 صبح که آنها در خانام حضور یافته بودند منزل نبودم، به محل کارم در مرکز نشر دانشگاهی مراجعه و از آنجا مجدداً مرا به خانه بردند. آنها، پس از جست‌وجو و برداشتن نزدیک به 20 فیلم و تعدادی از نشریات، مرا با خود به اداره اماکن برده و سپس با چشم‌بند و با وضعی نامناسب و توهین‌آمیز به بازداشتگاه مکانی که خود آن را ستاد مشترک قوه قضائیه و نیروی انتظامی می‌نامیدند و نام محل آن را مرکز خاتم و جمعی مرکز تعمیرات و مخابرات ناجا می‌نامیدند، انتقال دادند. در مدت 40 روز که در این بازداشتگاه بودم، در زندان انفرادی به سر می‌بردم و هرگونه ملاقات حضوری یا غیرحضوری و تماس تلفنی من با خارج قطع بود و تنها تلفنی دو دقیقه‌ای با همسر و فرزندانم را اجازه دادند که در این مدت نیز شخصی که بازجویی از مرا به عهده داشت و خود را یک بار دانسته یا ندانسته «حسینخانی» معرفی کرد، مرتب دستش بر بینیش بود و مرا به سکوت دعوت می‌کرد که به اصطلاح خودش، «اوت نزنم» و هرچه می‌گویم در محدود خواسته‌های او باشد.

رفتار این فرد در ابتدا بسیار خشونت‌آمیز و توأم با ضرب و شتم، شامل سیلی، مشت و لگد، نشانیدن بر روی زمین در راهرو بازداشتگاه، کشیدن موها و سبیل و به کار بردن الفاظ رکیک بود. سیلی‌ها، لگدها و مشت‌های او، در روزهای اول، سوم و پنجم بازداشت‌م ادامه داشت و هرگاه که بازجو نسبت به اقرار من به خشم می‌آمد، همین رفتار را انجام می‌داد: اینها همه ظاهر کار است، تو باید اهداف پشت پرده کانون و گروه‌های دیگری را که با آنها هستی به ما بگویی. شما همه عوامل ضدانقلاب هستی که در کانون نویسندگان و سایر گروه‌های ادبی گرد آمده‌اید.

شب‌های اول حسینخانی در تهدیدهای خود می‌گفت: فکر می‌کنی اگر تو در اینجا کشته بشوی کسی به کسی خواهد بود و کسی خبر خواهد شد؟ عمودی آمده‌ای، افقی برمی‌گردد. و از این گونه صحبت‌ها که آنها را در حالی که من چشم‌بند به چشم داشتم و رو به دیوار نشسته بودم می‌گفت. می‌گفت شش ماه که سهل است اگر شش سال هم اینجا بمانی و حرف زنی در اینجا خواهی ماند. فراموش کردم به این نکته اشاره کنم که مأموران تعدادی از کتاب‌های ترجمه خود من و نوشته یا ترجمه دیگران را که تحت مجوز نظام جمهوری اسلامی چاپ و منتشر شده است نیز با خود به اداره اماکن برده‌اند که از استرداد آنها امتناع می‌ورزند، در حالی که این کتاب‌ها رسمی و مجاز است و نمی‌شد جزئی از پرونده من به حساب آید.

بازجویی طی مدت 40 روزه 5 بار انجام شد و او 4 بار بازجویی را تکرار کرد. ضمن بازجویی، او پرونده محمدباقر صمیمی و سیامک پورزند را با خود می‌آورد. و بخش‌هایی از آنها را می‌خواند و گاهی هم به گزارش مأموران خودشان در کانون یا برخی اعضای فعال کانون استناد می‌کرد و می‌گفت ما همه چیز را می‌دانیم و فقط می‌خواهیم صداقت تو را امتحان کنیم. ما می‌دانیم که تو خیلی بیشتر از اینها می‌دانی و آنچه به ما می‌گویی 5 درصد حقیقت است و بقیه را کتمان می‌کنی. حسینخانی می‌خواست از عضویت من در مرکز دانشگاهی (به عنوان ویراستار) و ویراستاری مجله «تحول اداری»، مربوط به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در جهت گردآوری اطلاعات و تراشیدن عناصر ضدانقلاب از اعضای این سازمانها استفاده کند و می‌گفت تو چون در مرکز نشر دانشگاهی هستی، از آنچه که در دانشگاه‌ها می‌گذرد آگاهی‌داری و باید همه را به ما بگویی و رابطه کانون نویسندگان با دانشگاه‌ها و عناصر دوم خرداد را به ما بگویی و با اصرار از من می‌خواست «تقلب‌هایی» را که خودش به من «می‌رساند» جزو اقرارم بیاورم.

قسمت عمده استنادات پرونده یا بر مبنای فیلم ویدیویی که می‌گویند استناد به آن طبق قانون مجاز نیست، و اقرار دیگران و یافته‌ها یا بلوف‌های شخصی بازجوست که به هیچ‌رو براساس قوانین جاری قابل استناد نیست.

پس از تعیین قرار کفالت برای من، که همزمان با متن افزون بر 120 نفر نمایندگان مجلس شورای اسلامی درباره بازداشت خودسرانه اهل قلم و فراخوانی جلسه غیرعلنی مجلس با حضور وزیرکشور، وزیر اطلاعات و فرمانده نیروی انتظامی، برای من صادر شد، از من دو تعهد گرفتند که عامل آن حسینخانی بود و به تأیید قاضی محترم آقای صابری نیز رسید. یکی اینکه برای ایسنا و اپرنا(اگر می‌خواهم) فاکسی بزمن و اعلام کنم که ربه‌ام نشده‌ام و در بازداشت پلیس بوده‌ام و رفتار بازجویان و مأموران نیز با من بسیار خوب و رسیدگی به من کامل بوده است و دوم اینکه تعهد بدهم که در زمان آزادی که خارج از بازداشتگاه هستم هیچگونه اطلاعاتی راجع به آنچه که در بازداشتگاه گذشته است به هیچ‌کس حتی همسرم ندهم. من این سؤال را می‌پرسم که اگر آقایان کار خوبی می‌کنند و رفتار اسلامی و انسانی دارند، مفهوم این تعهدها چیست و اگر کار بدی می‌کنند، چرا در مسند قضا بدین‌سان عمل می‌کنند و آیا قضاوت برپایه این گونه اقرار مجعول و تحت‌شرایط تهدید و ضرب و شتم و فشار اسلامی و انسانی است و به سود نظام و آبرو و اعتبار آن است؟ آیا حقوق اسلامی تجسس در خانه مردم و گرفتن اقرار از کسانی را که در مجامعی حضور نداشته‌اند و از بیرون درباره آن مجامع قضاوت کرده‌اند(مانند اقرار اخذ شده از صمیمی درباره کانون نویسندگان ایران و جمع ادبی سه‌شنبه‌ها که هرگز عضویت هیچ‌کدام از این گروه‌ها را نداشته و حتی یک جلسه هم در آنها شرکت نداشته است) و بناکردن بازجویی بر مبنای این گونه اقرار کذب که بناچار برای نجات جان خود انجام گرفته، درست می‌دانند؟ و درست است که افرادی در آن بکوشند که پایه‌های سیستم را بر خشونت و دروغ استوار

کنند و بعد هم راه تعهد گرفتن از متهم را برای رهایی خود از قید عمل خویش برگزینند. با استناد به نقض همین تعهد از سوی اینجانب (برمبنای واهی و موهوم) بود که قاضی محترم مجدداً در تاریخ یکشنبه 81/12/25 از طریق تماس تلفنی مأمور در ساعت 11 شب (که به دلیل نبود اینجانب در خانه در ساعت 11 شب روز شنبه 81/12/24، صبح روز 81/12/25 نیز از طریق تلفن اداره تکرار شد) مرا مجدداً بازداشت و تاکنون در زندان رجایی‌شهر (به مدت 36 روز) در بازداشت هستم. آقای صابری باید در موارد زیر که مربوط به دوره اول بازداشت اینجانب است به مرجع ذی‌ربط قضایی پاسخگو باشند.

1- به چه دلیل، به جای بازداشت 24 ساعته، قبل از تشکیل جلسه دادگاه، طبق قانون به مدت 40 روز مرا در زندان انفرادی نگه داشته و در این مدت از هرگونه ملاقات حضوری یا تلفنی، یا تماس تلفنی آزاد محروم داشته است؟

2- به چه دلیل بازجوی مرتب با ایشان (موسوم به حسین‌خانی) از ضرب و شتم و فشار و وهن متهم برای گرفتن اقرار استفاده کرده است؟

3- در جلسات بازجویی به چه دلیل، بازجو از به بلوف‌های شخصی و اقرار دیگران (مانند پورزند و صمیمی) استناد کرده؟

4- به دلیل در بازجویی (برخلاف قانون) به فیلم ویدیویی استناد شده است؟

5- به چه دلیل فیلم‌های ویدیویی و کتاب‌های مجاز برپایه مجوز نظام اسلامی را که اکثراً مربوط به زمان گذشته (تا اوایل دهه 60) است، در توقیف نگه داشته است.

6- گرفتن دو تعهدی که در بالا به تفصیل اشاره کردم (تکذیبی در مورد رفتار خوب با من در بازداشتگاه مرکز خاتم و تعهد مربوط به سکوت در مورد آنچه در بازداشتگاه بر من گذشته) به چه دلیل بوده است؟

7- در مدت بازداشت اولیه من در مرکز خاتم، مواردی که آقای صابری، در بازداشتگاه مرکز خاتم به من تفهیم اتهام کرده بود، در روزنامه کیهان و سایت بازتاب (منتسب به آقای محسن رضایی) انعکاس یافته که نسخه آنها موجود است. بدین ترتیب، زمینه آسیب وارد شدن به اعتبار اجتماعی و آبرو و حیثیت خانوادگی و شخصی من فراهم شده است. قاضی محترم مشخص کند که روزنامه کیهان و سایت بازتاب، چگونه قبل از اثبات جرائم من در آنچه میان من و او گذشته است آگاه شده! و چگونه به خود حق داده‌اند که با تخلف از قانون به درج اینگونه اکاذیب بی‌اعتبار در رسانه‌های مربوطه به خود پردازند.

پس از آنکه در تاریخ 81/12/25 مجدداً از طریق تلفن به اداره اماکن احضار شدم (ساعت 9 صبح بود) نه حسین‌خانی و نه مأمور ضابطه در محل حضور نداشتند و مسئول حوزه جلب اماکن، مرا تا ساعت 1 بعدازظهر در محل برپا نگه داشت و به عناوین مختلف مانع بازگشت من به سرکارم شد و من که از امکان بازداشت خود بی‌خبر بودم و فکر می‌کردم قرار بازجویی سرپایی در اماکن داشته‌ام در آنجا ماندم. اما ساعت 1 ماشین حاضر کردند و مجدداً با چشم‌بند و با وضعیت نوبت قبل مرا به بازداشتگاه مرکز خاتم فرستادند. حسین‌خانی در همان روز در محل حاضر شد و در مواردی که با بازجویی‌های پیش من ارتباط داشت، منتها با لحنی ملایم‌تر، از من بازجویی کرد و گفت که آقای صابری شب به بازداشتگاه خواهد آمد و تفهیم اتهام جدید خواهد کرد. شب آقای صابری آمد و با استناد به موارد بازجویی قبل از قرار کفالت تفهیم اتهام جدید درباره نشر اکاذیب و توهین و افترا... کرد که مورد و مصداقی درباره آن ارائه نداد و من بی‌درنگ رد اتهام کردم. آقای صابری به حسین‌خانی روکرد و گفت: من از همان اول گفتم که نسبت به اقرار و تعهدات این شخص قانع نشده‌ام، اما شما حرفم را نپذیرفتی و اعتماد کردی. حالا صحت گفته من به شما ثابت شد؟ و شخصی موسوم به حسین‌خانی جواب داد: برای اولین بار بله. آن وقت آقای صابری گفت: روز سه‌شنبه ایشان را بفرستید دادگاه. در مورد تحقیقاتش هم من می‌دانم و من. آقای صابری اقرار و تعهدهایی را که من در آن شرایط فشار و ضرب و شتم و تقلب‌رسانی گردآمده بود قبول نداشت. حال معلوم نیست که او به دنبال چگونه تحقیقاتی و تحت چه شرایطی بوده است. حسین‌خانی سپس به راهروها دنبال آقای صابری رفت و برگشت و گفت: رفته‌ای بیرون و گرد و خاک کرده‌ای، شماها باید همان اوایل 5-6 سال می‌کشیدید و بعد آدم می‌شدید و می‌آمدید بیرون، می‌رفتید دنبال زندگیتان. اما زمانی که از مصداق گرد و خاک کردن پرسیدم جواب روشنی نداد و فقط گفت: «ضدانقلاب بودن که محرز است، و تا پایان محکومیت که دادگاه تعیین خواهد کرد خواهی ماند.»

به هر حال، روز سه‌شنبه صبح، 81/12/27، مرا برای اعزام به دادگاه مجدداً روانه اماکن کردند که در ساعت 11/5 پس از حدود دو ساعت معطلی مرا به دادگاه فرستادند که در آنجا قاضی صابری بدون هیچگونه دیداری غیاباً حکم بازداشت مرا در زندان رجایی شهر صادر کرد و پس از دو ساعت تعقیب و مراقبت سرنشینان ماشین به دنبال متهم دیگر مجدداً مرا به اداره اماکن برده، سپس حدود ساعت 4 بعدازظهر، مرا به زندان رجایی شهر انتقال دادند و دوره دوم بازداشت در زندانی خارج از محدوده محل زندگی و کارم که بهداری آن عملاً فعال و منظم نیست شروع شد و قرار کفالتم نیز فک شده بود و به جای آن قرار وثیقه به مبلغ 50 میلیون تومان صادر شده بود که ظاهراً «به اشتباه» قرار کفالت 500 میلیون تومان مکتوب شده بود که پس از حضورم در دادگاه در تاریخ سه‌شنبه 82/1/19، که جلسه دادگاهم تشکیل شده بود، تازه اصلاحیه قرار در زندان به دستم رسید.

حضور من در دادگاه و اعزام من از زندان به دادگاه و مسیر برگشت با دستبند و پایبند انجام پذیرفت و در جلسه دادگاه نیز با همین وضعیت حضور یافتم و در همان حال از برنشیت شدید نیز در عذاب بودم و جز سرفه‌های چرکی صدایی از حلقم بیرون نمی‌آمد و آقای صابری نیز هیچگونه اعتراضی نسبت به این شیوه حضور در دادگاه نکرد و حتی از سرباز همراهم نخواست که دستبند و پایبند را باز کند و من ناچار بودم با همان دست بسته آخرین دفاعم را بنویسم. ضمناً همسرم و یکی از بستگانم که برای گذاشتن وثیقه در راهرو دادگاه حاضر شده بودند، بدون این که اجازه حضور در دادگاه را بیابند یا بتوانند وثیقه را تسلیم کنند مرا با همان وضعیت دیدند و لازم است اضافه کنم که روز قبل از جلسه دادگاهم، همسرم درخواست گذاشتن وثیقه طبق قرار را کرده بود که آقای صابری دستور داده بود وثیقه را آماده کند. اما پس از حضور در دادگاه وقتی که خبر دادم وثیقه را آماده کرده‌اند، ایشان گفت: ولس کن، فایده‌ای ندارد. یک بار با قرار کفالت آزادش کردم، اما بیرون رفتی و جلسه گذاشتی و گردوخاک راه‌انداختی. رئیس‌تان پورزند چه گلی به سر خود زد که تو بخواهی بزنی؟

یادآوری می‌کنم که حضور در دادگاه بدون حضور وکیل و بدون اعلام وقت قبلی و در شرایطی بود که من منتظر بودم پس از تسلیم وثیقه به دادگاه آزاد شوم و آن روز هم با همین پیش‌بینی در دادگاه حاضر شدم، اما پس از حضور در دادگاه دریافتم که وضعیت به‌طور کلی عوض شده است، در دادگاه، آقای صابری سه برگ کاغذ بازجویی جلو من گذاشت که آخرین دفاعم را روی آنها به‌طور خلاصه بنویسم و موارد اتهامی نیز نسبت به تفهیم اتهام عوض شده بود و مورد رابطه با زنان به آن افزوده شده بود که من نمی‌دانم آقای صابری چنین اتهام تازه‌ای را از کجا آورده و به من منتسب کرده بود. آقای صابری، که جلسه دادگاه مرا بدون ابلاغ تاریخ و معرفی وکیل مدافع برگزار کرده بود، حتی پس از برقراری جلسه دادگاه نیز به هنگام مراجعه وکیل مدافع منتخب من، آقای بهرامیان، از تسلیم پرونده‌ام به ایشان امتناع کرده و گفته بود که پرونده‌ام در دسترس نیست و چون وزارت اطلاعات آن را از ما خواسته است، آن را به آن وزارتخانه فرستاده‌ایم، در همان زمان من در زندان رجایی‌شهر بودم و پس از یکی، دو روز هم قاضی آن را در اختیار وکیل مدافعم، برای رؤیت در «محل دادگاه»، قرار داد. آیا منظور او از این کار ایجاد رعب و وحشت و همکاری نکردن با وکیل منتخب من، بر خلاف قوانین جاری قضا نبوده است؟ من که بیمار قلبی مبتلا به تنگی میترال هستم و یک بار هم در بیمارستان شهید رجایی به همین دلیل آنژیوپلاستی شده‌ام و در انتظار نوبت دوم همین عمل یا جراحی قلب باز، تحت نظر پزشکان متخصص بیمارستان قلب شهید رجایی قرار داشته‌ام، اینک از طرف قاضی صابری به زندانی اعزام شده‌ام که بهداری مجهز و منظمی ندارد. در بهداری زندان تاکنون دو نوبت آزمایش غلظت خون در مورد من انجام شده است که در هیچ کدام جواب آزمایشی دریافت نکرده‌ام و پس از این دو آزمایش، با جواب آزمایش معاینه نشده‌ام و حتی هنوز نوار قلب از من نگرفته شده است. در این زندان در میان گروهی از زندانبان عادی هستم که کمترین جرمشان مواد مخدر و زورگیری و سرقت است و در روز سه‌شنبه 82/2/2 حکمی را دریافت کرده‌ام که مبنای صدور آن فیلم ویدئو و داشتن کتاب‌های مجاز و گرفتن بزرگداشت برای معاریف ادبی، دارای تمایلات چپ و شرکت در گروه‌های ادبی با هدف مشخص ادبی، اقاریر دیگران و اطلاعات و بلوف‌های بازجو، تحت شرایط فشار و مضروب شدن از طرف بازجو بوده است.

آقای صابری ظفرقندی قاضی شعبه 1610 مجتمع ویژه قضایی فرودگاه مهرآباد، باید علاوه بر 7 مورد قبل، در موارد در پی آمده نیز در مقابل مراجع قضایی ذی‌ربط پاسخگو باشد.

- 1- ایشان به چه دلیل بدون صدور احضاریه و تنها از طریق تماس تلفنی مأمور جلب اماکن، موسوم به کرمانی، به احضار متهم (من) پرداخته و موجب سلب آسایش خانواده‌ام شده است؟
- 2- به چه دلیل ایشان متهمی را که جرم او ثابت نشده است به زندان می‌فرستد و پیش از اثبات جرم، متهم را مجرم و دارنده سوء‌پیشینه می‌کند که مانع شرکت در برخی امور اجتماعی است؟
- 3- آقای صابری به چه دلیل موجب آن شده است که کارت عکس‌دار برای من با جرم ثابت نشده «شرب خم و تظاهر مستانه» (که موجبات هتک حیثیت اینجانب در میان مأموران زندان و همبندانم را فراهم آورده) همراه شود؟ آیا در نظام جمهوری اسلامی نباید رفتار اهل قضا که در مسند عدالت مولا علی(ع) قرار گرفته‌اند به گونه‌ای باشد که عامل بی‌آبرویی عامدانه افراد متهم، با اتهام ثابت نشده، را فراهم نیاورد؟ و آیا این کارت عکس‌دار در نظر مأموران زندان و همبندان من این شبهه را القا نمی‌کند که من در محیط عمومی به عربده‌جویی و شکستن شیشه پس از صرف مشروب پرداخته‌ام؟ و آیا قاضی با وجدان حق دارد که با سوءاستفاده از قوانین ناظر به استقلال اهل قضا از هر سو مایه بی‌اعتباری و بی‌آبرویی متهمان شود و در مقابل هیچ مرجع بالاتری نیز پاسخگو نباشد؟

- 4- در همین راستا، آقای صابری در دادنامه مورخ 82/1/30 و شماره 200 و پرونده کلاسه 5215/1610/81، اتهام سخیف رابطه با زنان را به من وارد کرده و بدون استناد به هیچ گونه دلیل مستند و محکمی خواستار حد شرعی برای من شده است و نوشته است: روابط نامشروع با افراد نسوان داشته به این صورت که بدون این که هیچ گونه علقه زوجیت فی‌مابین نامبرده و افراد نسوان داشته باشند، ارتباطاتی خارج از اصول و موازین شرعی به وجود آمده است که این موارد نیز تلویحاً در اظهارات متهم منعکس شده است و همچنین اظهارات سایر متهمین دستگیر شده که مصداق اظهارات مکتوب آنان در پرونده موجود است و تلویحاً موارد اتهامی وی را ثابت می‌نماید.

ایشان باید ثابت کند که من با چه کسانی و دقیقاً بر پایه چه ادله‌ای با چه کسی روابط غیرمشروع داشته‌ام. در غیر این صورت نامبرده در محضر عدل الهی و قانون باید پاسخگو باشد که چرا در مقام قضا

چنین اتهامات سخیفی را به متهمی آبرودار و صاحب همسر و فرزند وارد آورده است. من در این مورد نسبت به ایشان در مقابل مراجع قانونی ذی‌ربط ادعای شرف می‌کنم و مصرانه خواستار اجرای عدالت در مورد این قاضی «باوجدان» هستم. ایشان مدعی شده که در اظهارات من اشاره‌هایی به این اتهام یافته است. ثابت کنید که چنین اتهامی در کجای اظهارات من ذکر شده است؟

5- آیا آقای صابری حق داشته است، بدون ابلاغ تاریخ دادگاه به متهم و در اختیار قراردادن فرصت کافی برای انتخاب وکیل، فی‌البداهه به تشکیل دادگاه (صحرائی) بپردازد و بدون توجه به وثیقه‌ای که خود قرار آن را صادر کرده و دستور تودیع آن را در زیر درخواست همسرم داده است و بدون توجه به حضور صاحب وثیقه در دادگاه، همزمان جلسه دادگاه را تشکیل دهد؟

6- آیا درست است که قاضی با صدور برگ اعزامی که در آن جرم ثابت نشده و نادرست شرب خمر و تظاهر مستانه را قید کرده است، سبب شود که متهم با دستبند و پابند از زندان به دادگاه و برگشت از دادگاه به زندان شود؟ من در آن روز تنها متهم از نزدیک به 20 متهمی بودم که با چنین وضعیتی به دادگاه اعزام شدم. آقای صابری حتی در دادگاه هم با همین وضعیت و با حفظ دستبند مشترک با مأمور به محاکمه من پرداخت و در همان حال سرباز همراه من نیز مرتب به شتاب من در نوشتن آخرین دفاع اصرار داشت و در اندیشه آن بود که هر چه زودتر از قید حضور در جلسه دادگاه خلاص شود.

7- آقای صابری بر پایه کدام قوانین، با یا بدون آگاهی از وضعیت خاص جسمانی من، مرا به زندانی اعزام کرده که در آن به هیچ رو از مراقبت‌های بهداشتی و درمانی و پیگیری بیماری‌های حاد زندانیان خبری نیست و نمونه آن را در مورد آزمایش و معاینه قلب خود، در مطالب بالا نوشتم. آیا ایشان در چنین شرایطی ضمانت جان مرا به عهده می‌گیرد و مسؤولیت چنین اقدام مخاطره‌آمیزی را می‌پذیرد؟ در پایان، با تشکر از ریاست محترم جمهوری، امید خود را به اینکه در دستگاه قضایی کشور چنین روش‌های نامساعد، غیراسلامی و غیرانسانی حاکم نباشد و شیوه‌های ناصواب و کین‌جویانه‌ای از این قبیل، موجبات سوق منتقدان دلسوز به توده‌های خاموش - که به هنگام نیاز پشت نظام را از نیروهای بالقوه آن خالی کنند - یا اشخاص معاند نظام را فراهم نیاورد، این عرض حال را به حضورتان تقدیم می‌کنم و آرزومندم که با رسانیدن حق به صاحب آن و اجرای عدالت که بایسته نظام اسلامی حاکم بر کشور است، موجبات سربلندی نظام را نزد خداوند و انظار عمومی مردم ایران و جهان فراهم آورید.

اجرکم عندالله
علیرضا جباری